

بررسی اثرگذاری سرمایه‌گذاری داخلی در تحقق رشد اقتصادی

الهه رحیم‌دوست^۱

چکیده

با توجه به اهمیت سرمایه‌گذاری در افزایش تولید و امنیت اقتصادی کشور، بررسی روند سرمایه‌گذاری داخلی در سال‌های اخیر، روند مثبت و شتابنده‌ای را نشان نمی‌دهد. شاید بتوان گفت که بازدهی بالای بازارهای موازی از جمله بازار ارز، طلا، سپرده‌های بانکی و... وزن بیشتری در مقایسه با بخش‌های مولد در شکل‌گیری وضعیت موجود داشته‌اند. اقتصاد ایران با چالش‌های متعددی مانند تورم بالا و نوسانات نرخ ارز، محدودیت دسترسی به منابع مالی، ضعف در زیرساخت‌ها، بی‌ثباتی سیاسی و پیچیدگی‌های قانونی و فساد، کاهش اعتماد عمومی، ضعف در فرهنگ کارآفرینی و... دست‌وپنجه نرم می‌کند که در صورت تداوم وضع موجود و از دست دادن زمینه‌های جذب سرمایه‌گذاری و کاهش تولید مولد، امنیت اقتصادی کشور را خدشه‌دار خواهد کرد. از این رو با توجه به شرایط موجود و اهمیت موضوع، برخی راهکارها مانند حمایت مؤثر و هدفمند از بخش خصوصی، تقویت اعتماد و امنیت سرمایه‌گذاری، بهبود فضای کسب‌وکار، اصلاح نظام بانکی و بازار سرمایه، محدود کردن بخش غیرمولد و... پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: سرمایه‌گذاری، هزینه فرصت، فعالیت‌های نامولد، مولد، رشد اقتصادی، سرمایه.

مقدمه

پراهمیت سرمایه‌گذاری در رونق تولید در کشور نمی‌توان به راحتی چشم‌پوشی کرد تا جایی که می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین عوامل برای رشد اقتصادی در سطح خرد و کلان، سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه در بخش‌های مختلف اقتصادی است. سرمایه‌گذاری از دو طریق منجر به رشد در بخش‌های مختلف اقتصادی می‌شود. نخست اینکه، به‌طور مستقیم با افزایش سرمایه‌گذاری، تولید روند صعودی می‌یابد و دیگر اینکه، با افزایش سرمایه‌گذاری، سمت تقاضای اقتصاد تحریک می‌شود و تقاضا را افزایش می‌دهد. این دور دوباره تکرار و چرخه تولید کشور تقویت می‌شود.

نگاه به اسناد بالادستی کشور نشان می‌دهد تحقق هریک از اهداف یادشده در برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت مستلزم رونق تولید و رشد اقتصادی پایدار و مولد در کشور است؛ زیرا برطرف کردن مشکلات موجود در کشور از جمله اشتغال، فقر، توسعه زیرساخت‌ها، افزایش قدرت ملی و ارتقای جایگاه بین‌المللی از طریق افزایش رشد اقتصادی محقق خواهد شد. این در حالی است که در ادبیات رشد اقتصادی، بر افزایش سرمایه‌گذاری و تأثیر مستقیم آن بر رشد تأکید شده است. بنابراین، از نقش

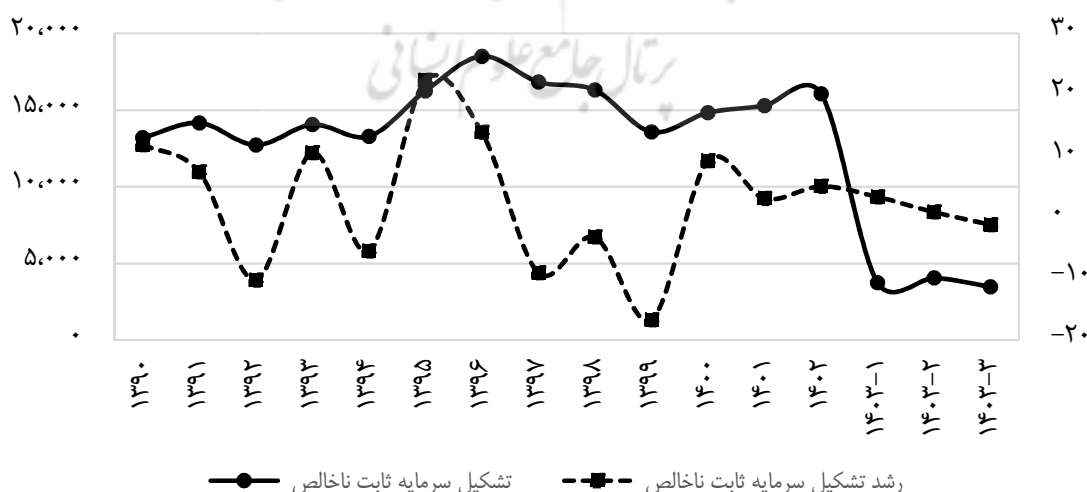
این گزارش پس از بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری داخلی در ایران، به بیان موانع موجود خواهیم پرداخت و در ادامه، با تبیین ملاحظات امنیت اقتصادی، برخی راهکارها به‌منظور بهبود روند حاضر ارائه می‌شود.

۱- بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری داخلی در ایران

می‌توان ظرفیت و توانایی نیروی انسانی و نیز برخورداری از منابع طبیعی فراوان در کشور را به‌عنوان مشوق‌های قوی در ترغیب سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری دانست. با توجه به قوانین و سیاست‌های متعدد ابلاغ‌شده در کشور (مانند سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، بندهای ۱۰ و ۲۰ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی درباره تشویق و گسترش سرمایه‌گذاری و...)، بررسی این روند در کشور دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است. به همین منظور در نمودار شماره ۱، به بررسی وضعیت تشکیل سرمایه در دوره مورد بررسی پرداخته شده است.

عوامل متعددی بر روند سرمایه‌گذاری در کشور تأثیرگذار هستند. این عوامل می‌تواند داخلی یا خارجی باشد. عوامل خارجی مانند محدودیت‌های ورود و خروج سرمایه، اعمال تحریم‌ها، ضعف در روابط اقتصادی بین‌المللی و... مانع ورود سرمایه به کشور می‌شود. عوامل داخلی نیز که می‌تواند متأثر از وضع نامناسب متغیرهای کلان اقتصادی و شاخص‌های کسب‌وکار در کشور باشد، با کاهش به‌کارگیری سرمایه در بخش‌های مولد، رشد اقتصادی را با روند نزولی همراه می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که وجود بازارهای موازی با سوددهی بالاتر و فقدان فضای مناسب کسب‌وکار، سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد کشور را مختل می‌کند. با توجه به اهمیت سرمایه‌گذاری به‌عنوان نهاده اصلی در افزایش تولید و بهره‌وری، باید گفت ورود مداوم سرمایه به بخش حقیقی اقتصاد شرط لازم برای حفظ رشد تولید بلندمدت است. با عنایت به نام‌گذاری سال ۱۴۰۴ با عنوان سرمایه‌گذاری برای رشد تولید، در

نمودار ۱- روند و رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به قیمت ثابت سال ۱۴۰۰ (درصد-هزار میلیارد ریال)

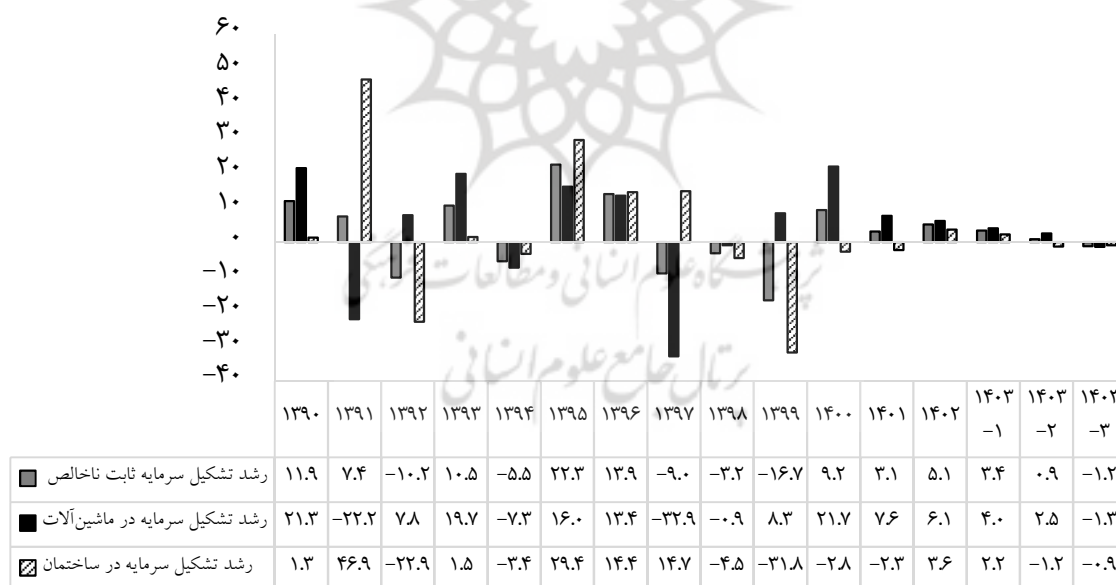


مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۴۰۴.

سرمایه‌گذاری در کشور مثبت بوده، اما دوباره در سه‌ماهه سوم سال ۱۴۰۳ نسبت به مدت مشابه سال پیش از آن، رشد سرمایه‌گذاری از روند منفی تبعیت کرده است. لازم به توضیح است که در مقام مقایسه میان سطح سرمایه‌گذاری در نه‌ماهه نخست سال ۱۴۰۳ با مدت مشابه سال پیش از آن، شاهد افزایش زیادی نبوده‌ایم. این موضوع تبیین‌کننده این مطلب است که سیاست‌های تشویق به‌منظور احیای سرمایه‌گذاری در کشور و درنهایت، رشد تولید واقعی دارای اولویت بسیار بالایی است. با توجه به اهمیت اجزای سرمایه‌گذاری صورت گرفته در کشور، در نمودار شماره ۲ به بررسی آن پرداخته‌ایم.

همان‌طور که در نمودار شماره ۱ مشاهده می‌شود، روند تشکیل سرمایه ثابت (سرمایه‌گذاری) در کشور از سال ۱۳۹۷ تاکنون از روندی نزولی تبعیت کرده و رشد آن نیز در دهه ۱۳۹۰، دارای نوسانات زیادی بوده است؛ به‌گونه‌ای در سال‌های ۱۳۹۲، ۱۳۹۴، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹، سرمایه‌گذاری در ایران از رشد منفی برخوردار بوده است. دلایلی ازجمله خروج آمریکا از برجام و تشدید تحریم‌های ظالمانه علیه کشور، وابستگی ایران به درآمدهای نفتی، وقوع بیماری کرونا و... در روند رو به افول سرمایه‌گذاری مؤثر بوده است. این در حالی است که در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ و شش‌ماهه نخست سال ۱۴۰۳، رشد

نمودار ۲- رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و زیرگروه‌های آن به قیمت ثابت سال ۱۴۰۰ (درصد)



مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۴۰۴.

پیشران عمل کرده است؛ به‌طوری‌که در سال‌هایی که سرمایه‌گذاری بیشتر افت کرده، تشکیل سرمایه در ماشین‌آلات بیشتر از اجزای دیگر دچار کاهش

همان‌گونه که در نمودار شماره ۲ نشان داده شده است، سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات به‌عنوان مهم‌ترین جزء سرمایه‌گذاری، به‌مثابه متغیر



به مدت مشابه سال ۱۴۰۲، معادل ۱/۷ درصد بوده درحالی‌که رشد نه‌ماهه نخست سال ۱۴۰۲ نسبت به نه‌ماهه نخست سال ۱۴۰۱، معادل ۶/۳۲ درصد بوده است. بنابراین، در نه‌ماهه نخست سال ۱۴۰۳ شاهد افت سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات بودیم. یکی دیگر از متغیرهایی که نشان می‌دهد آیا میزان سرمایه‌گذاری در یک کشور متناسب با اندازه اقتصاد آن صورت گرفته است یا خیر، نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی آن کشور است. به همین منظور جدول شماره ۱ به شرح زیر ارائه شده است.

شده است. با عنایت به اینکه افزایش سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات می‌تواند منشأ ورود فناوری به کشور باشد، می‌توان گفت اهمیت این جزء از سرمایه‌گذاری بیشتر است. برای مثال، تشکیل سرمایه در ماشین‌آلات در سال ۱۳۹۷ به شدت منفی بوده است که شاید بتوان یکی از دلایل آن را خروج آمریکا از برجام و در نتیجه، کاهش ورود کالاهای سرمایه‌ای به کشور و نوسانات شدید اقتصادی دانست. در مقایسه‌ای دیگر مشاهده می‌شود که در نه‌ماهه نخست سال ۱۴۰۳، رشد سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات نسبت

جدول ۱- وضعیت نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری (درصد)

سال	نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی	نسبت سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات به تولید ناخالص داخلی	نسبت سرمایه‌گذاری در ساختمان به تولید ناخالص داخلی
۱۳۹۰	۱۹/۱۷	۹/۰۰	۱۰/۱۷
۱۳۹۱	۲۰/۵۳	۶/۵۳	۱۴/۰۱
۱۳۹۲	۱۷/۳۲	۷/۲۳	۱۰/۰۹
۱۳۹۳	۱۸/۳۷	۸/۵۷	۹/۸۰
۱۳۹۴	۱۷/۷۲	۸/۰۷	۹/۶۵
۱۳۹۵	۱۸/۷۲	۸/۱۰	۱۰/۶۲
۱۳۹۶	۱۹/۳۵	۸/۴۹	۱۰/۸۶
۱۳۹۷	۱۸/۳۶	۶/۴۶	۱۱/۹۰
۱۳۹۸	۱۸/۳۳	۶/۹۹	۱۱/۳۳
۱۳۹۹	۱۶/۳۳	۸/۲۵	۸/۰۸
۱۴۰۰	۱۷/۳۸	۹/۴۸	۷/۹۰
۱۴۰۱	۱۶/۷۶	۹/۴۹	۷/۲۷
۱۴۰۲	۱۸/۲۷	۱۰/۸۰	۷/۴۶
۱-۱۴۰۳	۱۷/۱۱	۱۱/۰۱	۶/۱۰
۲-۱۴۰۳	۱۷/۵۳	۱۰/۴۷	۷/۰۶
۳-۱۴۰۳	۱۵/۸۹	۱۰/۵۱	۵/۳۸

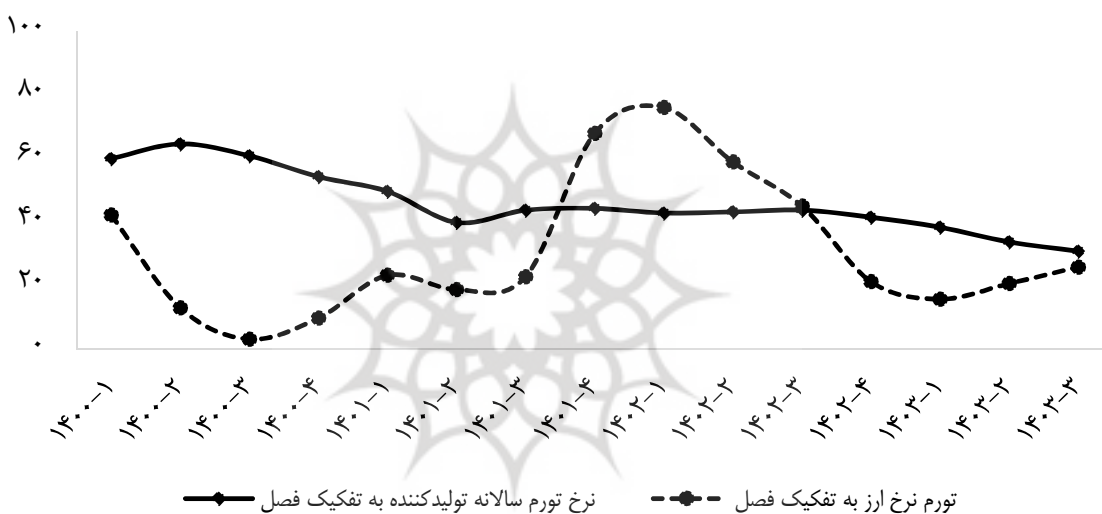
مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۴۰۴.

۱-۲- موانع و چالش‌های اقتصادی

داخلی و در نتیجه، کاهش انگیزه برای سرمایه‌گذاری منجر می‌شود. همچنین، وابستگی تولید کشور به واردات مواد اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای و افزایش نوسانات ارزی، پیش‌بینی هزینه‌ها و بازده سرمایه‌گذاری را برای سرمایه‌گذاران داخلی با مشکلاتی همراه می‌سازد.

• تورم بالا و نوسانات نرخ ارز: افزایش افسارگسیخته قیمت‌ها و نوسانات ارزی از جمله مشکلاتی است که سرمایه‌گذاران داخلی را دچار تردید می‌کند. تورم بالا باعث افزایش هزینه‌های تولید و کاهش قدرت خرید مردم می‌شود. این موضوع مستقیماً به کاهش تقاضای

نمودار ۳- نرخ تورم سالانه تولیدکننده و نرخ ارز به تفکیک فصول (درصد)



مآخذ: سایت شبکه اطلاع‌رسانی طلا، سکه و ارز، ۱۴۰۴؛ مرکز آمار ایران، ۱۴۰۴.

هرگونه برنامه‌ریزی به‌منظور رشد تولید در بلندمدت را از تولیدکننده سلب می‌کند. همچنین، وجود سودهای کلان در بازارهای موازی از جمله بازار ارز مانع ایجاد انگیزه در تولیدکننده به‌منظور گسترش تولید و سرمایه‌گذاری خواهد شد. سرمایه‌گذاران همواره سود و زیان، ریسک و بازده را مدنظر قرار می‌دهند و از این منظر اهداف آن‌ها با اهداف توسعه‌ای دولت هم‌راستا نیست. بنابراین، با وجود سود در بازارهای موازی شاهد رونق بازارهای سوداگری و دلالتی و تحمیل فشار دوچندان بر

همان‌طور که در نمودار شماره ۳ نشان داده شده، در دوره مورد بررسی نرخ تورم تولیدکننده همواره بالای ۳۰ درصد بوده که در برخی فصول از جمله فصل نخست سال ۱۴۰۰، به بالای ۶۰ درصد نیز رسیده است. این موضوع در حالی مطرح است که نرخ ارز نیز به‌عنوان یکی دیگر از عوامل تشدیدکننده این وضعیت دارای تلاطم بسیار بوده و به‌طور میانگین، رشد بالای ۳۱ درصد را در دوره مورد بررسی تجربه کرده است. وجود تلاطم در بازار ارز به دلیل وابستگی بخش تولید به واردات، امکان

می شود که هزینه تمام شده وام ها و تسهیلات بانکی از ۳۰ درصد نیز فراتر می رود^۱ و تورم بالای ۳۰ درصد در بخش تولیدکننده، می تواند از عهده بازپرداخت وام ها و نیز کسب سود متعارف اقتصادی بریاید؟! از این رو سرمایه گذاران برای تأمین مالی طرح های خود با مشکل تأمین مالی مواجه و به همین دلیل، ناگزیر به انصراف از ورود در فعالیت های اقتصادی مولد می شوند. بنابراین، عدم تسهیل در تأمین مالی سرمایه گذاری داخلی به عنوان یکی دیگر از چالش های اقتصادی در این بخش است. لازم به توضیح است که در سال های اخیر سپرده گذاری در بانک ها نسبت به فعالیت اقتصادی در کشور، سود بیشتری را نصیب افراد کرده است که در نهایت، منجر به کاهش تمایل سرمایه گذاران به سرمایه گذاری در بخش های مولد می شود. این موضوع باعث می شود که در کشور شاهد افزایش سهم تسهیلات دهی بانک ها به بخش های غیرمولد باشیم. در نمودار شماره ۴، تسهیلات اعطایی بانک ها به بخش های مختلف اقتصادی بر اساس آخرین آمار در دسترس آورده شده است.

روند تشکیل سرمایه ثابت
(سرمایه گذاری) در کشور از سال
۱۳۹۷ تاکنون از روندی نزولی تبعیت
کرده و رشد آن نیز در دهه ۱۳۹۰،
دارای نوسانات زیادی بوده است.

مصرف کننده خواهیم بود که در نهایت، تداوم این وضعیت با ایجاد نارضایتی های مردمی، امنیت ملی کشور را خدشه دار می کند.

• **محدودیت دسترسی به منابع مالی:** کمبود منابع مالی برای فعالیت اقتصادی مولد به عنوان یکی از موانع سرمایه گذاری همواره در کشور وجود داشته است. تأمین مالی سرمایه گذاری معمولاً از راه هایی مانند سود تقسیم نشده بنگاه ها، وام و تسهیلات بانکی یا از طریق فروش سهام در بازارهای مالی است، اما از آنجاکه کشور، همواره از بی ثباتی بازارها در رنج بوده و شاهد نرخ های تورم بالا و در نهایت، قیمت تمام شده بالای کالاهای ساخته شده بوده است، چندان نظاره گر تأمین مالی سرمایه گذاری از کانال سود تقسیم نشده بنگاه ها نبوده ایم. بازارهای مالی نیز به دلیل ناطمینانی ها و نیز نبود شفافیت در صورت های مالی، منبع خوبی برای تأمین مالی نبوده اند.

همچنین، سیستم بانکی به دلیل اعمال نرخ سودهای بالا مانع دریافت وام توسط سرمایه گذاران می شود؛ زیرا سود بالای تسهیلات، سرمایه گذاری مولد را از صرفه اقتصادی خارج می سازد؛ به طوری که می توان پرسید کدام یک از بخش های تولیدی کشور با سود ۱۸ درصدی اعطای تسهیلات (به اعتقاد برخی کارشناسان، با سوء استفاده بانک ها از ناآگاهی مشتریان، نرخ ها بر اساس فرمول های پیچیده و پیش بینی ناپذیر و با استفاده از بخش نامه ها و دستورالعمل های داخلی، در جریان امهال یا تمدید تسهیلات به گونه ای محاسبه

1. <https://B2n.ir/ej9498>.

نمودار ۴- سهم بخش‌های مختلف اقتصادی از تسهیلات پرداختی نظام بانکی (درصد)



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۴.

توانمند، این منابع را صرف امور زیربنایی و توسعه‌ای کند و از هدررفت آن به شکل هزینه‌های جاری بپرهیزد، اما همان‌گونه که در بررسی بودجه‌های سالانه کشور مشاهده می‌شود، به‌رغم تخصیص حجم زیادی از بودجه کشور به امور زیربنایی و عمرانی، متأسفانه به دلیل عملکرد ضعیف دولت در این بخش شاهد پیشی گرفتن هزینه‌های جاری از امور عمرانی هستیم که این موضوع مانع تخصیص منابع در نظر گرفته‌شده برای تجهیز امور زیربنایی می‌شود و دولت ناچار به استفاده از سهم بودجه عمرانی برای جبران کسری بودجه جاری می‌شود. در صورتی که وقتی کشور با شکاف پس‌انداز-سرمایه‌گذاری مواجه باشد، استفاده از منابع نفتی بهترین وسیله برای پر کردن این شکاف است؛ زیرا برنامه‌ریزی درست

همان‌طور که در نمودار شماره ۴ نشان داده شده است، سهم بخش خدمات همواره در سال‌های مورد بررسی از دیگر بخش‌های اقتصادی بالاتر بوده است. با توجه به اینکه در ایران بخش زیادی از فعالیت‌های بخش خدمات مولد نیست، می‌توان گفت این‌گونه اعطای تسهیلات در کشور هرگز نمی‌تواند در راستای ترغیب سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری‌های مولد باشد.

• **ضعف در زیرساخت‌ها:** یکی دیگر از مواردی که نقش دولت را در سرمایه‌گذاری به‌خوبی نشان می‌دهد، چگونگی هزینه‌کرد منابع ناشی از فروش نفت است. با توجه به اینکه منابع نفتی کشور جزو میراث بین‌نسلی است و باید در چگونگی صرف این منابع مالی بسیار حساس بود، انتظار می‌رود دولت با برنامه‌ریزی دقیق به‌عنوان مجری‌ای

سرمایه‌گذاران نسبت به ثبات اقتصادی کشور دچار شبهه شوند و افق زمانی تصمیم‌گیری اقتصادی آن‌ها محدود شود. از این رو وجود محیط سیاسی امن یکی از پیش‌شرط‌های ترغیب سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در کشور است. از سوی دیگر، وجود فساد مالی در بدنه اقتصادی و نیز برخورداری برخی افراد از رانت‌های اطلاعاتی از موانع جدی و فزاینده ریسک اقتصادی در کشور است. نوسانات مستمر متغیرهای کلان و کلیدی اقتصاد از جمله رشد بالای نقدینگی، تورم و نیز تغییر ساعتی قیمت مواد اولیه تولید می‌تواند به عنوان ریسک اقتصادی مانع ورود سرمایه‌گذار به عرصه فعالیت‌های مولد شود. از سوی دیگر، ثبات در محیط کسب‌وکار یکی دیگر از عواملی است که می‌تواند در جذب سرمایه‌گذاری و رشد تولید بسیار مؤثر واقع شود. محیط کسب‌وکار با شاخص کسب‌وکار که متشکل از زیرشاخص‌های دیگر است، سنجیده می‌شود. با توجه به اینکه در چند سال اخیر آمار بین‌المللی در خصوص شاخص محیط کسب‌وکار ارائه نمی‌شود، در این بخش از گزارش به بررسی این شاخص با توجه به آمارهای داخلی موجود می‌پردازیم. لازم به توضیح است که در آماری که مرکز پژوهش‌های اتاق ایران منتشر کرده، شاخص محیط کسب‌وکار به دو صورت نظریه عمومی کارآفرینی شین و پایش ملی کسب‌وکار ایران محاسبه شده است. از آنجا که شاخص شین به دلیل در نظر گرفتن وزن عوامل مختلف در

محاسبه، از دقت بیشتری نسبت به شاخص کل کشور برخوردار است، در این بخش به تحلیل محیط کسب‌وکار بر اساس نظریه عمومی کارآفرینی شین می‌پردازیم. بر اساس این نظریه، می‌توان دو مجموعه عوامل محیطی معین را به محیط اقتصادی و محیط نهادی تفکیک کرد. عوامل محیط اقتصادی شامل محیط اقتصاد کلان، محیط مالی، ساختار تولید و محیط جغرافیایی و عوامل محیط نهادی شامل محیط سیاسی، محیط حقوقی، محیط فرهنگی، محیط آموزشی و علمی، محیط فناوری و نوآوری و ساختار دولت می‌شود. این دو مجموعه عوامل بر کسب‌وکارهای موجود و فرایند کارآفرینی که در واقع نقطه آغازین کسب‌وکار است، اثر می‌گذارند. هرچه محیط کسب‌وکار (محیط نهادی و محیط اقتصادی) شرایط بهتری داشته باشد، بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی بیشتر است و هرچه بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی در جامعه‌ای بیشتر باشد، عملکرد اقتصاد آن کشور و خلق ارزش و ثروت در آن جامعه بیشتر می‌شود. بر اساس نظریه عمومی کارآفرینی شین، شاخص ملی محیط کسب‌وکار ایران در پاییز سال ۱۴۰۳، عدد ۶/۱۵ (عدد ۱۰ بدترین ارزیابی است) بوده که مناسب‌تر از وضعیت این شاخص در ارزیابی فصل گذشته (تابستان ۱۴۰۳ با میانگین ۶/۲۱) بوده است. میانگین ارزیابی محیط اقتصادی عدد ۶/۶۷ بوده که در ارزیابی فصل گذشته، عدد ۶/۶۵ حاصل شده و میانگین ارزیابی محیط نهادی

طرح‌های بلندمدت منجر به عدم رشد تولید و توسعه اقتصادی می‌شود. اگر بخواهیم به مثالی از این بی‌اعتمادی‌ها در عرصه سرمایه‌گذاری اشاره کنیم، تجربه عملکرد برخی سیاست‌گذاران در سال‌های پیش است که سبب شد تا بسیاری از سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه ضررهای بسیار زیادی را متحمل شوند. نتیجه این اقدام، خروج سرمایه از بازار سرمایه و ورود آن به بازارهای دیگر و شاید بازار دلالتی و سوداگری بوده است.

• ضعف در فرهنگ کارآفرینی: فرهنگ

کارآفرینی و نوآوری در ایران به اندازه کافی پررنگ نشده است و نیاز به تقویت دارد. کار و کارآفرینی مهم‌ترین مسئله اجتماعی و فرایندی انسانی است که با دگرگونی‌های اقتصادی-اجتماعی پیوند محکمی دارد. هنگامی که کارآفرینی به عنوان روش زندگی توسط بیشتر افراد جامعه پذیرفته شود، ارکان توسعه در آن جامعه در مقایسه با دیگر جوامع سریع‌تر رشد می‌کند. برای توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه نیازمند حاکم کردن فرهنگ کارآفرینی هستیم. گسترش فرهنگ کارآفرینی، بستری مناسب برای بسط عدالت در جامعه است. در جامعه کارآفرین، همه انسان‌ها فرصت‌های یکسانی پیش روی خود دارند. در این جامعه، سرمایه یا زمین برای افراد ایجاد ثروت نمی‌کند، بلکه انسان‌های هوشمند، خلاق و نیز پرتلاش و مصمم هستند که شانس بیشتری برای موفقیت دارند. پس در فرهنگ عمومی باید تحولاتی

عدد ۵/۷۲ بوده که در فصل گذشته عدد ۵/۸۵ ارزیابی شده است. براین اساس، محیط حقوقی و قانونی با عدد ۵/۱۶ و محیط مالی با عدد ۸/۲۷ به ترتیب مساعدترین و نامساعدترین محیط‌ها بر اساس نظریه عمومی کارآفرینی شین بوده‌اند. بنابراین، برطرف کردن مشکلات ساختاری کشور که می‌تواند در ایجاد فضای مناسب کسب و کار و در نهایت، جذب سرمایه‌گذاری مفید واقع شود، بسیار ضروری است.

۲-۳- چالش‌های اجتماعی-فرهنگی

• کاهش اعتماد عمومی: از آنجاکه سرمایه‌گذاری برای هر سرمایه‌گذار مستلزم افق دید روشن از آینده است و مفهوم سرمایه‌گذاری در کل، مفهومی بلندمدت است، باید فضای اقتصادی کشور از ثبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برخوردار باشد. در این صورت است که می‌توان به رونق سرمایه‌گذاری در کشور امیدوار بود. بنابراین، در صورتی که افق دید سیاست‌گذاران اقتصادی کشور کوتاه‌مدت باشد، این موضوع موجب می‌شود تا سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و متوازن در کشور شکل نگیرد. این موضوع سبب می‌شود تا افراد، مشتاق به کسب سودهای کلان در کوتاه‌مدت، فعالیت‌های غیرمولد و کارهای زودبازده شوند. به همین دلیل، برای رونق سرمایه‌گذاری و پیمودن مسیر توسعه، ایجاد اطمینان خاطر در افراد مبنی بر حفظ سرمایه و حقوق مالکیت موجب ترغیب آنان برای ورود به این عرصه می‌شود. این در حالی است که کاهش اعتماد به دولت و نهادهای مالی با کاهش سرمایه‌گذاری در



خارجی است. امنیت اقتصادی و جذب سرمایه دو مقوله در هم تنیده شده و مکمل یکدیگرند؛ به‌طوری‌که در صورت نبود هریک از دو عامل یادشده، روند روبه‌رشدی در عامل دیگر مشاهده نمی‌شود.

یکی از اهداف نهایی هر نظام اقتصادی، افزایش رفاه جامعه و نیز رفع کمبود کالاها و خدمات است که نخستین گام برای دستیابی به آن، ایجاد، حفظ و تقویت امنیت اقتصادی است. در سایه برقراری امنیت اقتصادی است که می‌توان به ایجاد نظام اقتصادی کارآمد امیدوار بود. از این‌رو در نظام اقتصادی کارآمد میزان تولید افزایش می‌یابد و از منابع موجود در راستای افزایش کارایی و بهره‌وری استفاده می‌شود. لازمه افزایش تولید، رشد سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد است؛ به‌گونه‌ای که در صورت عدم سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد، ظرفیت‌های بهینه تولید تحت تأثیر قرار می‌گیرد و از مجرای عدم دستیابی به مقیاس بهینه تولید، زمینه افزایش هزینه‌های تولید را فراهم می‌آورد. افزایش هزینه‌های تولید بنگاه نیز باعث بیکاری عوامل تولید و ازجمله نیروی کار می‌شود.

بیکاری نیروی کار هزینه‌های اقتصادی زیادی برای کشور به همراه دارد، اما هزینه‌های اجتماعی آن بسیار سنگین‌تر و وسیع‌تر خواهد بود. پیامدهایی مانند سرخوردگی در جامعه، گسترش مسائل و ناهنجاری‌های اجتماعی در کشور، از بین رفتن مهارت‌های ضمن کار افراد و... که همه و همه ناشی از افزایش بیکاری است، امنیت اقتصادی را با مخاطره روبه‌رو خواهد کرد. از این‌رو باید سرمایه‌گذاری در

ایجاد شود تا جامعه از فعالیت‌های کارآفرینانه حمایت کند و پذیرای تلاش‌های خلاقانه، ابتکار و نوآوری و احساس مسئولیت آن‌ها شود. تحقق این موضوع موجب می‌شود تا رفته‌رفته زمینه جذب سرمایه‌گذاری در این‌گونه فعالیت‌ها مهیا شود و با خلق فرصت‌های جدید جذب سرمایه شاهد رشد تولید واقعی و مولد در کشور خواهیم بود (گل‌آور، ۱۳۹۰، ص. ۷۸).

در سال‌های اخیر به دلیل رشد بیش از اندازه فعالیت‌های نامولد و سایه گسترده دلالتی و سوداگری و رواج فساد و فقدان شفافیت، تقاضای سرمایه‌گذاری به‌شدت کاهش یافته و هزینه‌فرصت منابع برای سرمایه‌گذاری هم به‌خاطر درآمدهای بالای بخش نامولد بالاست. نرخ‌های بهره بانکی هم به‌گونه‌ای است که با سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت سنخیت ندارد. همه این‌ها افزون‌بر واردات بی‌رویه و قاچاق، از عوامل مایوس‌کننده برای سرمایه‌گذاری است.

۳- ملاحظات امنیت اقتصادی

یکی از عوامل اساسی در پیمودن مسیر رشد و توسعه اقتصادی، فراهم بودن زمینه جذب سرمایه‌گذاری در کشور است. از سوی دیگر، وجود امنیت اقتصادی یکی از ملزومات جذب سرمایه‌گذاری داخلی و

تولید محقق می‌شود، بنابراین، توجه به مزیت‌های کشور و تقویت آن‌ها می‌تواند با جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی، راه رسیدن به رشد اقتصادی و تأمین رفاه افراد جامعه را هموار سازد. بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری داخلی به‌رغم موقعیت ممتاز ایران در منطقه، وجود منابع غنی معدنی، برخورداری از نیروی کار جوان و تحصیل کرده و... نشان می‌دهد که روند طی‌شده در دوره مورد بررسی، مطلوبیت لازم و کافی را نداشته است تا جایی که می‌توان گفت رونق بازارهای موازی از جمله بازارهای سفته‌بازی، سوداگری و دلالتی توانسته است با جذب سرمایه داخلی و ارائه بازده بالا، رقیب جدی برای بخش مولد باشد. همچنین، در مقایسه میان حجم اقتصاد ایران با میزان سرمایه‌گذاری صورت گرفته در کشور شاهد روند رو به افول هستیم. وجود برخی چالش‌های جدی در مسیر سرمایه‌گذاری از جمله چالش‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و... توانسته است مسیر سرمایه‌گذاری در کشور را تا اندازه زیادی منحرف کند. از این‌رو برخی راهکارها به‌منظور بهبود وضعیت موجود به شرح زیر ارائه می‌شود.

– حمایت مؤثر و هدفمند از بخش خصوصی: یکی از اهدافی که دولت در اسناد بالادستی خود همواره بر آن تأکید دارد، کاهش دخالت‌های دولت در اقتصاد و افزایش نقش بخش خصوصی در کشور است. می‌دانیم که حضور سرمایه‌گذار بخش خصوصی در برخی زمینه‌ها مانند تجهیز زیرساخت‌های کشور کم‌رنگ است. لازم است تا با زمینه‌سازی جذب سرمایه در

کشور به‌اندازه‌ای باشد که به بنیان‌های تولید به‌طور بهینه و کارا کمک کند. نبود امنیت و ثبات اقتصادی موجب فرار سرمایه از کشور و مانع جذب سرمایه داخلی و خارجی می‌شود. لازم به توضیح است که کاهش روند سرمایه‌گذاری موجب می‌شود با افت توان تولید داخل، اقتصاد ملی مجبور به استفاده از محصولات وارداتی شود و میزان وابستگی کشور به واردات افزایش یابد تا اندازه‌ای که در تأمین اقلام مصرفی نیز به کشورهای دیگر وابسته شود. در این صورت هرگونه تحریم یا شوک‌های بیرونی منجر به اثرگذاری شدید بر اقتصاد می‌شود و آسیب‌پذیری آن را در برابر نامالایمات بین‌المللی و داخلی افزایش می‌دهد. از این‌رو کاهش سرمایه‌گذاری می‌تواند به‌طور زنجیروار به امنیت اقتصادی کشور لطمه وارد آورد.

نسبت سرمایه‌گذاری به تولید در ابتدای دوره

مورد بررسی یعنی سال ۱۳۹۰، از ۱۹/۱۷

درصد به ۱۸/۲۷ درصد در سال ۱۴۰۲ و به

۱۵/۸۹ درصد در سه‌ماهه سوم سال ۱۴۰۳

رسیده است. این موضوع نشان می‌دهد که در

مقایسه با اندازه اقتصاد ایران، سرمایه‌گذاری

کمتری نیز صورت پذیرفته است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد راهکارها

سرمایه‌گذاری داخلی یکی از ارکان اساسی رشد اقتصادی است. با توجه به اینکه رفع فقر و بیکاری و افزایش بهره‌وری و کارایی تنها در سایه رشد



بخش‌های مولد افزون‌بر کاهش نقش عملیاتی دولت شاهد ورود بخش خصوصی در بخش‌های تولیدی باشیم. در این راه انواع حمایت‌های مالی، مالیاتی و انواع بخشش‌های بیمه‌ای، اصلاحات در قوانین اقتصادی برای کاهش موانع قانونی و... به‌صورت هدفمند، زمان‌بندی‌شده و محدود از سوی دولت دارای توجه اقتصادی خواهد بود. این اقدام موجب می‌شود با جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی شاهد رونق تولید و افزایش نقش نظارتی دولت باشیم.

- تقویت اعتماد و امنیت سرمایه‌گذاری: یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر جذب سرمایه در بخش‌های مولد، حفظ و تقویت امنیت سرمایه در کشور است؛ به‌گونه‌ای که نبود امنیت و ثبات اقتصادی موجب فرار سرمایه از کشور و مانع جذب سرمایه داخلی و خارجی می‌شود. از این‌رو رابطه میان سرمایه‌گذاری و امنیت اقتصادی، رابطه‌ای دوطرفه است. پیشنهاد می‌شود از طریق کاهش فساد اقتصادی و افزایش شفافیت، تضمین حقوق مالکیت و ثبات در متغیرهای کلان اقتصادی، زمینه تأمین امنیت سرمایه‌گذاری در کشور بیش‌ازپیش مهیا شود. همچنین، ایجاد آرامش و فضای اطمینان و اعتماد برای جذب سرمایه‌گذار به‌منظور سرمایه‌گذاری لازم است؛ به‌طوری‌که تنش در فضای سیاسی کشور موجب فرار سرمایه از کشور خواهد شد. از این‌رو، حفظ ثبات سیاسی از طریق اجماع در میان مسئولان کشور پیشنهاد می‌شود.

- بهبود فضای کسب‌وکار: بهبود فضای کسب‌وکار به معنی سهولت و مناسب بودن فضای اقتصادی کشور برای فعالیت اقتصادی ازجمله سرمایه‌گذاری

است. حذف قوانین دست‌وپاگیر و حجیم، برطرف کردن موانع تولید، اعطای وام‌های کم‌بهره، بهبود قانون کار و بیمه، اصلاح قوانین مالیاتی، الکترونیکی کردن امور ثبتی و... ازجمله عواملی است که منجر به بهبود محیط کسب‌وکار می‌شود. بنابراین، در صورتی‌که هدف کشور جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی باشد، باید به‌طور جدی در این زمینه‌ها وارد عمل شد. وضعیت نامساعد فضای کسب‌وکار موجب می‌شود تا هرگونه تزریق نقدینگی به بازار به‌جای تغییر ملموس در تولید و اشتغال، به سمت اموری مانند دلالتی و واسطه‌گری برود. بنابراین، بهترین کمک به بخش تولید کشور و جذب سرمایه‌گذاری، بهبود محیط کسب‌وکار است.

- اصلاح نظام بانکی و بازار سرمایه: از آنجاکه نقص در سیستم بانکی و مالی کشور می‌تواند به‌عنوان یکی از موانع سرمایه‌گذاری به دلیل عدم تأمین مالی طرح‌ها، اثرگذاری بالایی داشته باشد، توجه به این موضوع بسیار ضروری است. چنان‌که اشاره شد، سیستم بانکی ضعیف کشور سهم زیادی در کاهش سرمایه‌گذاری داخلی داشته است. دریافت نرخ سود تسهیلات بالا از دریافت‌کنندگان وام، توجیه‌پذیری طرح‌های اقتصادی را با مشکل مواجه ساخته است. همچنین، عدم اطمینان کافی به کارایی بازار سهام مانع تأمین مالی شرکت‌ها از این مجرا شده است. پیشنهاد می‌شود به‌منظور برطرف کردن مشکل تأمین مالی سرمایه‌گذاری در کشور، نرخ بهره بانکی پس از بازبینی کارشناسان، تعدیل شود و کارایی بازار سهام کشور با نظارت

منابع

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۴).
- خلاصه تحولات سالانه اقتصادی. ایران، تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- سایت شبکه اطلاع رسانی طلا، سکه و ارز (۱۴۰۴).
- گل‌آور، مرتضی (۱۳۹۰). «فرهنگ کار و کارآفرینی در ایران و سایر کشورها». کار و جامعه، ۱۲ (۱۴۰)، ص ۷۸
- مرکز آمار ایران (۱۴۰۴). حساب‌های ملی ایران. ایران، تهران: مرکز آمار ایران.
- <https://B2n.ir/ej9498>

بیشتر بر صورت‌های مالی ارائه شده توسط شرکت‌ها، بهبود یابد.

- محدود کردن بخش غیرمولد: همان‌طور که در این مطالعه به آن پرداخته شد، حضور گسترده بخش نامولد در اقتصاد ایران موجب افزایش هزینه فرصت سرمایه‌گذاری و کاهش میزان بازدهی سرمایه در فعالیت‌های مولد شده است. پیشنهاد می‌شود با نظارت دقیق از گسترش این بخش در اقتصاد جلوگیری شود تا سرمایه کشور به سمت سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد و اشتغال‌زا گسیل یابد. همچنین، با افزایش هزینه فرصت فعالیت‌های غیرمولد مانند اعمال مالیات‌های سنگین، افزایش نرخ جریمه و...، زمینه رشد این گونه فعالیت‌ها در کشور را کمتر کنیم.

در بسیاری از طرح‌های سرمایه‌گذاری در کشور تاکنون شاهد دخالت برخی عوامل اثرگذار سیاسی و منطقه‌ای از جمله فشار نمایندگان مجلس، بلندپروازی‌های برخی مسئولان اجرایی کشور و برخی خواست‌های سیاسی و اجتماعی بوده‌ایم. این موضوع باعث می‌شود تا تعداد بسیار زیادی از طرح‌های سرمایه‌گذاری به‌طور هم‌زمان اجرایی شود درحالی‌که منابع کافی برای به پایان رساندن همه این طرح‌ها در دسترس نیست. این موضوع افزون‌بر تحمیل بار مالی زیاد به کشور موجب طولانی شدن زمان اجرای طرح‌ها می‌شود که آن‌ها را از صرفه اقتصادی خارج می‌کند.

